

از آموزش و پرورش. ادریس یکی از آنها بود؛ «معلمان داوطلب در این دوسال ریالی دریافت نکرده‌اند، البته سهم سرایدار مدرسه ماهی ۳۵۰ هزار تومان می‌شود.» پسرها به وقت صبح، مدرسه می‌روند. بعد از ظهر وقت تعارف کردن گل‌ها و فال‌ها به عابران چهارراه است. البته گلچین کردن پلاستیک‌ها و ضایعات هم به‌عهده پسرهاست، برای گونی‌های سوار بر پشت‌شان. بعد از ظهرها وقت درس و مشق دخترهاست. «عشق یاد گرفتن سر ساعت بچه‌ها را به مدرسه می‌کشاند. کارنامه گرفتن برایشان معنا ندارد. حریص آموختن‌اند.» دوسال، مدرسه در مسجد محله بی‌نام و نشان بود و کد نداشت اما کلاس‌ها بزرگ‌تر شد و برگه امتحانات تصحیح. کلاس‌های زبان و کامپیوتر هم بودند. «دانش آموز پایه سوم‌مان حاضر است باکل شهر قایت کند.» شرط حاضری سر کلاس‌های زبان، یاد دادن به سه‌بچه دیگر در کوچه، هنگام بازی است. کلاس‌های برنامه‌نویسی نهایت هیجان بچه‌هاست. «آزودام این بچه‌ها از مدیران استارت‌آپی شوند تا کسب‌وکار خودشان را داشته باشند.» دوره مقدماتی برنامه‌نویسی روی صندلی‌های اجاره‌ای دانشگاه زاهدان تشکیل شد. کامپیوترها شدند درجه دنیای نو به روی بچه‌ها. یاد گرفتن دنیای صفرویک‌ها همه آرزوی بچه‌هاست. «تجهیزات کم داریم. صندلی‌ها را از دانشگاه آوردیم و در شرکت یکی از دوستان کلاس‌ها بزرگ‌تر شد.»

فائزه

خبر شروع به کار مدرسه «فائزه» را به وجد آورد و بی‌کتاب و دفتر راه مدرسه را در پیش گرفت. سال اول مدرسه بود و پسرها روی موکت کف حیاط مسجد درس می‌خواندند و قرار بود وقتی دیوار کلاس‌ها بالا رفتند دخترها سر کلاس‌ها حاضری بزنند. اما شوق «فائزه» حریف قول و قرار بزرگ‌ترها شد. هر روز خودش را به مدرسه رساند و گوشه‌ای از موکت را مال خودش کرد و شد تنها دختر کلاس. مشق نوشت و نقاشی کشید تا زودتر از دخترهای محله الفبا را یاد بگیرد. اما بعد «فائزه» هشت‌ه‌ساله حین غذا پختن، سوخت‌وکسی چیزی از او نخواست. «فائزه» برای چند لحظه در بیمارستان به هوش آمد و تنها از مدرسه پرسید؛ «مدرسه چه وقت باز می‌شود؟» او دیگر هیچ وقت موکت رنگ و ورفته حیاط مدرسه را ندید و برای همیشه چشم‌برآرزوها و حسرت‌هایش بست.

کُد گرفتن

قرار است از مهرماه، مدرسه ۱۲کلاسه واقعی برای دانش‌آموزان بی‌شناسنامه شروع به کار کند. علی‌مرادی، معاون پیشین ناحیه یک آموزش و پرورش زاهدان به «شهروند» از این مدرسه می‌گوید: «این مدرسه را مجموعه‌ای خیر تشکیل دادند. البته کُد گرفتن مدرسه کمی‌زمان بر شد چون استعلام و بررسی‌های آموزش و پرورش نیاز به زمان بیشتری داشت. آموزش و پرورش مدارس وابسته به مساجد را تأیید نمی‌کند. مدرسه باید وابسته به آموزش و پرورش باشد.» پسرها از مهرماه به مدرسه «محسنین» می‌روند و دخترها قرار است در مدرسه شهید حججی الفبا را مشق کنند؛ «از مهرماه یک شیفت از این مدرسه در اختیار این بچه‌ها قرار می‌گیرد و یک شیفت هم خودمان مدرسه دولتی‌را می‌اندازیم.» قرار است فاقد شناسنامه‌ها مدرسه‌دار شوند؛ مدرسه‌ای واقعی با میز، نیمکت و تخته سیاه. زنگ تفریح و ورزش هم هست، آن‌هم در حیاطی مدرسه‌ای واقعی. «۹۰ درصد دانش‌آموزان این مدرسه فاقد شناسنامه‌اند. این مدرسه را به کمک «ان‌جی‌او»های خارجی می‌سازیم با امکانات عالی که حتی در مرکز شهر هم نظیرش به چشم نمی‌خورد.»

عیس ورشویی، مدیر دفتر تسهیل‌گری و توسعه محلی شیرآباد هم از «پیربخش»، بزرگ‌ترین محله فاقدان شناسنامه می‌گوید. از شمال زاهدان، «شیرآباد» کمال‌هاست به نقطه آسیب‌های اجتماعی بدل شده است. او کم‌رنگ بودن و کیفیت پایین آموزش را دلیل اصلی بیشتر این آسیب‌ها می‌داند. ورشویی به «شهروند» می‌گوید: «زندیک به هشت مدرسه راه‌اندازی شده در همین شیرآباد. البته نمی‌شود گفت مدرسه.» بخش خصوصی که ورود می‌کند خانه‌ای اجاره می‌شود برای درس خواندن بچه‌ها. آموزش و پرورش تأیید می‌کند تا کار شکل و شمایل رسمی بگیرد. دفاتر تسهیل‌گری می‌آیند به کمک و خانه‌ای استیجاری پیدا می‌کنند. ثبت‌نام بچه‌ها هم به‌عهده این دفاتر است. «پیربخش» تا دوسال پیش مدرسه نداشت تا اینکه بچه‌ها در مسجد محل جمع شدند. همین «محسنین» که قرار است بزرگ‌ترین مدرسه باشد در شمال «شیرآباد». خانه‌هایی که مدرسه می‌شوند، وسع‌شان قد می‌دهد به اندازه دو اتاق خواب. خانه مدرسه‌هایی که قرار است از امسال دوشیفت دانش‌آموز داشته باشند؛ هر شیفت با ۱۵۰ دانش‌آموز. «این مدرسه‌ها برای طرح بازماندگان از تحصیل‌اند. طرح خاک‌خورده از سال ۹۷. بخش خصوصی پای کار آمد و آموزش و پرورش شروع کرده به مجوز دادن. در همین یک‌سال و نیم حدود ۴ هزار دانش‌آموز رفته‌اند سر کلاس.» «مدرسه محسنین که دوسالی است در مسجد محل جا خوش کرده، قرار است بزرگ‌ترین مدرسه بازماندگان از تحصیل باشد. مدرسه‌ای که قرار است میان خیابان «پیربخش» جا بگیرد و بی‌شناسنامه‌ها را به آرزوی مدرسه رفتن برساند. «در مساحتی حدود ۲ هزار متر دارند، می‌سازند. او آخر کارش است. شاید به این مهرماه برسد.»

کُد دانش‌آموزی به جای کُد ملی

محسن نارویی، مدیر آموزش و پرورش ناحیه یک زاهدان به «شهروند» از طرح تحقیقاتی بازماندگان از تحصیل در سال ۹۷ می‌گوید. طرحی که نشان می‌دهد استان سیستان و بلوچستان بالاترین آمار بازماندگان از تحصیل را دارد؛ «در سال ۹۷ طرح نوشته شد. تصمیم بر آن بود که در همان دوره در حد توان کودکان بازمانده از تحصیل جذب شوند.» نام‌نویسی اولیه طرح، آمار سه تا چهار هزار نفری بازماندگان از تحصیل را نشان داد. اهمیت موضوع ما جارا را دفتر نوبخت کشاند تا اینکه بیستم مهرماه ۹۷ به‌طور شفاهی دستور شروع طرح داده شد. «برآورد‌های اولیه از هزار و چهارصد دانش‌آموز خبر می‌داد. قرار شد هر دانش‌آموز برای یک‌سال اعتبار یک‌میلیونی داشته باشد.» سال ۹۷ بچه‌های بازمانده از تحصیل شاهد شروع به کار ۱۴ مدرسه بودند؛ مدارس در جام‌جم، قاسم‌آباد، رسالت، شیرآباد و … همان سال هزار و هشتصد و بیست دانش‌آموز سر این کلاس‌ها حاضر شدند تا طرح اجرایی شدن را به خود ببینند. «برای این مدارس از فضای خانه‌های استیجاری استفاده شد. همه ۴ مدرسه همان‌سال کُد گرفتند.» سال ۹۸ این مدارس سرورسامان گرفتند و وضع به‌تر شد تا اینکه تعداد دانش‌آموزان جذب شده به ۳ هزار نفر رسید. تعداد باقی‌مانده از این جمع هم شدند دانش‌آموزان مدرسه محسنین. «مدرسه بخشی از مسجد بود. فضای امنی نبود، نوسازی تأییدیه فضا را نداد و نتوانستیم کُد بدهیم.» هفتصد- هشتصد دانش‌آموز بازمانده از تحصیل و بی‌شناسنامه امید بسته بودند به درس خواندن گوشه مسجد محل. معلم کلاس‌های این دانش‌آموزان هم خیرین بودند. بهمن ۹۸ تصمیم‌ها بر آن شد تا مدرسه‌ای دولتی در «پیربخش» ساخته شود. بر مبنای استانداردها و مهندسی‌شده. «سه‌کوپه پایین‌تر از مسجد، مدرسه ساخته شده و دانش‌آموزان از مهرماه می‌روند آنجا. ۹۶ درصد این دانش‌آموزان بی‌شناسنامه و مدارک هویتی‌اند، البته اتباع مهاجر هم میان‌شان هستند.» دانش‌آموزان فاقد مدارک هویتی برای سر کلاس رفتن باید اول به فرمانداری سر بزنند. فرم پر کنند و مشخصات اولیایشان محرز شود تا کُد دانش‌آموزی بگیرند به‌جای کُد ملی. «هرسال این کُد دانش‌آموزی تمدید می‌شود. به‌دلیل امنیتی هر سال این دانش‌آموزان پایش می‌شوند و کُد جدید می‌گیرند.» مهر که بیاید دانش‌آموزان محسنین بعد از دوسال مسجدنشینی، می‌روند مدرسه. «تازه از نوسازی تحویل گرفته‌ایم. مدرسه‌ای که مرکز شهر هم نظیرش پیدا نمی‌شود. ما دانش‌آموزان را از طریق مساجد، شورایای‌ها و دفاتر تسهیل‌گری شناسایی می‌کنیم. در این دوسال سه مدرسه دیگر هم ۱۴‌تای قبلی اضافه شده است.» نارویی از ۱۶ هزار دانش‌آموز بازمانده از تحصیل می‌گوید که تنها ۴ هزار نفرشان جذب این مدارس شده‌اند. «حاشیه شهر زاهدان رشد ۶برابری نسبت به استانداردهای کشوری دارد. به‌عنوان مثال سال گذشته ما ۶ هزار کلاس اولی داشتیم و امسال ۹ هزار نفر متقاضی شده‌اند.» رشد جمعیت بالا، تراکم ۴۳ نفری کلاس‌های درس و کمبود نیرو و پایین بودن اعتبارات دغدغه‌های آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان است. «متأسفانه مسئول موجود اجازه نمی‌دهد تمام بازماندگان از تحصیل را جذب کنیم. کمبود نیرو هم هست برای همین مجبوریم از خرید خدماتی‌ها بهره‌بریم. طبق قانون ۴۰۳، ۵۰۶ و توسعه.» □

خبرگزاری تسنیم



گزارشی از جذب بازماندگان از تحصیل در حاشیه زاهدان و شروع به کار مدارس رسمی در این مناطق از مهرماه

بزرگ‌ترین مدرسه بی‌شناسنامه‌ها

➔ مدیر آموزش و پرورش ناحیه یک زاهدان: حاشیه شهر زاهدان رشد ۶برابری دانش‌آموز دارد. به‌عنوان مثال سال گذشته ما ۶ هزار کلاس اولی داشتیم و امسال ۹ هزار نفر متقاضی شده‌اند

[لبلا مهداد] دنیای بچه‌ها خلاصه شده در کوچه‌های غربیه با سیاهی آسفالت. خانه‌های آجری و بلوکی، نشسته میان کوچه‌های خاکی باریک، آخرین نقطه امن دنیاست. روشنی شب‌ها به عهده تیرهای چراغ برقی است که یک سروگردن بالاتر از خانه‌ها ایستاده‌اند. سیم‌های گره‌خورده، برق‌دزدی‌را می‌رساند به خانه‌ها. از سال‌ها پیش مردان و زنان «قاسم‌آباد»، «کریم‌آباد»، «دایی‌آباد» و «حاجی‌آباد» به کوچه‌های تنگ و خاکی پناه بردند؛ به «شیرآباد». بزرگ‌ترین محله حاشیه‌نشین در شمال زاهدان. محله آدم‌هایی که زندگی‌شان با زمین‌های کشاورزی خشک شد. زنان آسیب‌دیده و مادران همیشه نگران. مردان بی‌کار و گاه اسیر اعتیاد. بچه‌های کار و آدم‌های بی‌نام و نشان.

بچی

بچی در «شیرآباد» سرگرم بودن با زباله‌هاست. امید بستن به بسته‌های فال و دسته‌گل‌های سرخیابان یا بی‌هدف تاب خوردن در پیچ‌وخم کوچه‌ها. بچی «سعید» با خیابان «پیربخش» گره خورد تا همین یازده‌سالگی. «ما بی‌شناسنامه‌ایم. درس خواندن حق ما نبود.» پدر تا پسر نام‌شان جایی ثبت نیست، نه یارانه دارند نه ردی از نام‌شان در فهرست کمیته امداد و بهزیستی است. زیر نور برق دزدی یکی از همین خانه‌ها دنیا می‌آیند، زندگی می‌کنند و می‌میرند. «الف، ب، پ، ت و …» اینها را مدرسه یاد گرفتیم. هنوز هم یاد نخستین روزی که مدرسه رفتیم، حالم را خوب می‌کند.» سعید فکر می‌کرد باید آجر روی آجر بچیند و ملات بدهد به خورد دیوار. مثل تمام روزهای پدر. نوشته‌های روی دیوار و سرد مغازه‌ها، خط‌های کج وکوله بی‌مفهومی بودند اما مدرسه رفت و حروف راه‌جی کرد. حالا نام‌ها را می‌خواندمی نویسد؛ خیابان «آزادی»، «پیربخش»، «بناها اسم خیابان‌هایمان است. قبل از مدرسه یا کوچه بودم یا می‌رفتم واکنسی. هنوز هم می‌روم، فقط عصرها برای کمک خرج خانه.» دوسالی است مدرسه در مسجد محل رنگ‌پاشیده به زندگی «سعید» و هم‌کلاسی‌هایش. یکی دوست دارد معلم شود، آن یکی معمار. عاشقان کامپیوتر هم هستند. هیچ‌کدام‌شان دیگری به جمع کردن ضایعات، کارگری ساختمان یا پرسه‌زدن‌های بی‌خودی در خیابان‌ها فکر نمی‌کنند. «شناسنامه نداشتیم. فکر نمی‌کردم بتوانم مدرسه بروم.» حامد چندسالی است کفاشی کرده و زیرویم کفش‌ها را خوب می‌شناسد. چرخ زندگی «حامد» ده‌ساله و خانواده هشت‌نفره‌اش با پلاستیک‌هایی که پدر جمع می‌کند و کفش‌هایی که او وصله‌پینه می‌کند، می‌گذرد. «اینجا همه بچه‌ها کار می‌کنند. اما وضع ما از برادرهای بزرگ‌ترمان بهتر است؛ مادرش می‌خوانیم.» دوست دارد معلم شود. عاشق گچ

بازتاب

پاسخ دانشگاه آزاد به یک گزارش: پذیرش دانشجوی بسیار سخت‌گیرانه و احتمال تخلف صفر است

[شهروند] هفتم مرداد گزارشی در «شهروند» منتشر

می‌شد که از جعل مدرک دانشگاهی توسط تعدادی از موسسات خبر می‌داد. این گزارش با تیتیر «مدرک دانشگاه‌ها ۲۴ میلیون تا یک میلیارد تومان» منتشر شده بود. حالا روابط عمومی دانشگاه آزاد در این باره جوابیه‌ای ارسال کرده است. در این جوابیه آمده:

«احتراما پیرو انتشار گزارشی در شماره ۲۴۸ روزنامه شهروند به تاریخ ۹۷/۵/۷ تحت‌عنوان «مدرک دانشگاه از ۲۴ میلیون تا یک میلیارد تومان» و طرح موارد نادرستی درباره نحوه اداره مدرک در دانشگاه آزاد اسلامی، به اطلاع می‌رساند طرح چنین موضوعی مرتبط با دانشگاه آزاد اسلامی صحت ندارد. جهت تنویر افکار عمومی و مخاطبان محترم این روزنامه و مطابق ماده ۲ قانون مطبوعات کشور متن جوابیه ذیل را در صفحه نخست روزنامه شهروند منتشر کنید. جهت تنویر افکار عمومی و مخاطبان محترم روزنامه شهروند به اطلاع می‌رساند: ۱. مطالب مندرج در گزارش روزنامه شهروند در مورد نحوه

ارایه مدرک در دانشگاه آزاد اسلامی نادرست و کذب محض است و ادعای تلفتی آن فرد به منظور خرید مدرک دانشگاهی، مصداق کلاهبرداری و شیادی است. بنابراین این ادعا و استدلال نگارنده به هیچ وجه قابل قبول نیست، زیرا پذیرش دانشجو در دانشگاه آزاد اسلامی در مقایسه با سایر زینظام‌های آموزشی بسیار سخت‌گیرانه و احتمال تخلف صفر است. ۲. در حال حاضر نحوه پذیرش داوطلبان ورود به دانشگاه‌های آزاد اسلامی به صورت نیمه‌متمرکز انجام می‌گیرد و این فرآیند کنترلی بسیار سخت‌گیرانه‌تر از سایر زینظام‌ها عمل می‌کند و بر فرض محال اگر خطایی در یک زینظام دانشگاه رخ دهد، در مراحل بعدی کنترل و کشف خواهد شد، به طوری که امکان این گونه خطاها وجود ندارد. ۳. نکته حائز اهمیت این است که باند‌های شاید جعل مدرک با فریب داوطلبان ورود به دانشگاه اقدام به صدور مدارک جعلی می‌کنند که در اولین فرآیند استعلام از دانشگاه آزاد اسلامی و کمتر از چند دقیقه وارد تخلف و

مدرسه

ماجرای مدرسه رفتن بی‌شناسنامه‌های «پیربخش» با نفت شروع شد. سرمای زمستان نفت‌های نذری‌را روی هم‌تلقین کرد تا بابت‌های نفت روی چرخ‌دستی در «شیرآباد» تاب بخورد و خانه‌ها را گرم کنند. «چند دوست بودیم و برای محله‌های حاشیه‌نفت جمع می‌کردیم. یکی از محله‌ها شیرآباد بود.» غربیگی با مدرسه، ناآشنا بودن حتی با نام خود، آینده مبهم میان‌خانه‌های دودزده از کریستال جرقه‌ای شبداری دور هم جمع کردن بچه‌ها گوشه مسجد محله. «ادریس» و دوستانش به نوبت پای تخته سیاه ایستادند؛ نوشتند و خواندند تا بچه‌ها الفبایا بیاموزند. طرح مدرسه بازماندگان از تحصیل سیستان و بلوچستان با سفر محمد باقر نوبخت، رئیس سازمان برنامه و بودجه در شهریور ۹۷ تصویب شد تا لپانه‌ای باشد برای راه‌اندازی مدرسه. طرح را آموزش و پرورش داد و نخستین مدرسه محله در مسجد تشکیل شد. خیر در محله پیچید و زم‌مه‌ها از تحقق آرزویی‌گفت که روزی شبیه به معجزه بود. خبر که بچپید ۳ هزار و ۱۶۵ کودک و نوجوان رویی‌مداد دست گرفتند و نوشتن نام‌شان را دوباره زنده کردند تا اینکه پای ۷۰۰ دختر و پسر هفت تا پانزده‌ساله به مدرسه بی‌شناسنامه‌ها باز شد و ۳۰۰ کودک شدند دانش‌آموزان پیش‌دبستانی بزرگ‌ترها اما شدند شاگردان نهضت سوادآموزی و پنج‌شنبه‌و جمعه‌ها راه مدرسه را در پیش گرفتند تا مدرسه «پیربخش» هزار و ۱۸۰ دانش‌آموز را به آینده امیدوار کند. «نخستین بار به کمک دفتر توسعه و تسهیل‌گری «شیرآباد» سه هفته ثبت‌نام انجام دادیم. مکتب‌کنار مسجد را گرفتیم و ششمدرسه بچه‌ها. «موکت حیاط مسجد، سه ماه تمام، ششمدرسه بچه‌ها تا اینکه انشای یکی از بچه‌ها ورق را برگرداند: «منی خواهم گازوئیل کنش یا کازگر شوم. دوست ندارم حین کار بسوزم یا به دلیل کارهای خلاف بروم زندان، شناسنامه نداشتن نباید بهانه‌ای برای درس نخواندنم شود.» پسر، آرزو و دلهره هم‌سن و سال‌هایش را نوشت و سر کلاس انشا خواند و هیچ‌گاه فکر نمی‌کرد دل‌هره و رویایش دست‌به‌دست شود تا خیرین، مدرسه گوشه مسجد را شکل و شمایل دهند. ۲۳ معلوم داوطلب پای کار آمدند به امید گرفتن کُد

۹۰ درصد دانش‌آموزان این مدرسه فاقد شناسنامه‌اند.

این مدرسه را به کمک

«ان‌جی‌او»های خارجی

می‌سازیم با امکانات عالی

که حتی در مرکز شهر هم

نظیرش به چشم نمی‌خورد

جعل مدرک کشف می‌شود. لذا داوطلبان گرامی باید مراقب چنین شیادانی باشند و فریب این افراد و باند‌ها را نخورند و در صورت مواجهه با آنها حتما موضوع را به مسئولان دانشگاه و مراجع قانونی اطلاع دهند. بنابراین در صورت مواجهه با چنین موردی افرادی می‌توانند با اولین نزدیک‌ترین واحد دانشگاه آزاد اسلامی موضوع را مطرح کنند و در بهره‌برداری از اطلاعات موجود در شبکه اینترنت نت حتما تأییدات لازم را از دانشگاه اخذ کنند و سپس درباره آینده تحصیلی خود تصمیم بگیرند. ۵. به نگارنده گزارش مذکور در روزنامه شهروند توصیه می‌گردد قبل از نگارش چنین گزارش‌هایی که امکان ایجاد تردید و شبهه دارد، حتما از مسئولان دانشگاهی کسب اطلاع کنند و به‌مورد مستند و مستدل توجه بیشتری داشته باشند. دانشگاه آزاد اسلامی آمادگی دارد مستندات ادعای خرید مدرک دانشگاهی را دریافت و آن را از طریق سیستم نظارتی، حقوقی خود و از طریق مراجع قانونی پیگیری نتیجه را اطلاع‌رسانی کند. □